

تاریخ انگلستان

آندره موروا

www.ketab.ir

ترجمه : مجید مسعودی

سرنشانه	موروا، آندره، ۱۹۶۷ - ۱۸۸۵
عنوان و نام پدیدآور	تاریخ انگلستان/ تالیف آندره موروا؛ ترجمه م. مسعودی، ن. مغری "خسارالدوله"
مشخصات نشر	تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
مشخصات ظاهری	۶۵۰ ص. مصور، نقشه، عکس
شابک	۹۶۴-۲۴۶-۱۷۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	فهرست نویسی قبلی
بازداشت	فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
موضوع	انگلستان -- تاریخ
شناسه افروده	مسعودی، مجید، ۱۳۷۰ - ۱۳۰۱، مترجم
شناسه افروده	مغری، بهمنقلی، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۱، مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۶۲ تاریخ/ DAT
رده بندی دیویی	۹۶۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۰۰-۲۴۵۶ م



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام کتاب : تاریخ انگلستان

نویسنده : آندره موروا

ترجمه : مجید مسعودی

ناشر : دنیای کتاب

نوبت چاپ : اول

تیراژ : ۱۰۰ نسخه

تاریخ نشر : ۱۳۹۳

چاپ : دیجیتال

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۴۶-۱۷۷-۵

قیمت : ۳۰۰۰۰ تومان

تهران : میدان بهارستان، خیابان کمال الملک، روبروی وزارت ارشاد، پلاک ۲۲

تلفن : ۳۳۹۵۱۸۴۰ - ۳۳۹۵۲۵۷۵

بنام خداوند مهربان

مقدمه

جهان را نه مهر است با کس نه کین

رفقا کتاب بخوانید کتاب و تامل کنید شرح حال گذشتگان را مقدم بدارید
بی شک اگر در فلسفه آنچه میخوانید دقت کنید و آنقدر توانا باشید که از تجربیات
دیگران پند گیرید از کمراه شدن در سنگلاخ محفوظ مانده و برای یافتن راه راست
محتاج بکوشش زیاد و صرف وقت نخواهید بود در اینصورت عمر شما دراز و کارتان
آسان خواهد شد.

و اگر میتوانید قلم بدست گیرید شیوه مردمان روشن فکر و ملت‌های مرقی را
پیش گرفته یاد کاری برای آیندگان بگذارید.

اینست مختصری از آنچه استاد تقی ملک الشعرای متخلص به بهار در مقدمه
تاریخ مختصر جمهوری امریکا که من درسی سال پیش منتشر نمودم نگاشته است
شادروان و رادمرد شریف و نجیب حسن پیرنیا (مشیرالدوله) نیز یکی از
علاقمندان بتاریخ بود در مجالس خصوصی و با اهل دل بندرت از موضوعات تاریخی دور
شده و بادبیات می پرداخت بقدری شیفته این علم سودمند بود که با کار مداوم و زحمات
مستمر چندساله برای جمع آوری مدارك و تالیف سه جلد تاریخ ایران باستان قوای
خود را تحلیل برد و بگواهی پزشکان معالج زودتر از سن طبیعی در آغوش مرگ قرار

گرفت و خوشنود بود از اینکه جان شیرین را فدای انجام مقصود مقدس یعنی تحریک غرور ملی میدارد.

غالباً می گفت از مردم جاهل و سست ایمان انتظاری نمیتوان داشت باید عامه راهوشیار و بیدار کرد و اگر کسی بتواند و نکند مستوجب نکوهش است مطالعه و ترجمه و بالاخره اشاعه تاریخ را یکی از راههای سودمند برای بیداری توده میدانست و توصیه می کرد.

مدير مدرسه ای داشتیم فرانسوی بنام الیویه وابسته فرهنگستان با سرمایه شخصی دبیرستان مجهز و کاملی در بیروت دایر نموده با اینکه اسنادان فاضل و برازنده داشت اغلب وارد کلاس شده و بجای آموزگار تدریس میکرد این دانشمند خوش بیان و شیرین سخن وقتی دهان میگشود باری گوش ترین شاگرد سرا با گوش میشد قدرت افهامی داشت که در پایان سخنرانی اطلاعات گوینده و شمنونده مساوی بود

همسر جوان و مهر بان بر اثر يك فداکاری در راه خیر در گذشته بود این فیلسوف حق شناس و با وفا چند سالی بود به لبنان مهاجرت نموده و برای فرار از تهاجم غم و اندوه باین شغل پر زحمت پرداخته بود با امید اینکه تعقیفی در مصیبت و تاراج حاصل آید

این دانشمند دل شکسته نیز از دوستان داران تاریخ بود اغلب در ضمن تدریس از قصه های ارتور بادشاه افسانه ای انگلستان و داکویرا آغاز نموده و سر انجام سخن را بذکر وقایع مهم تاریخی میکشاید و میگفت وقایع ساده تاریخ همین افسانه ها نیست که کودکان را بخواب میبرد تاریخ همین است که وقتی آشنایان بیکدیگر میرسند اولین سؤالشان اینست خبر تازه چیست ؟

تاریخ مادر علوم است شرح انکشافات و اختراعات و خصوصیات زندگی تاجداران و اشخاص همه در تاریخ میاید از آشنائی با یادداشت های پیشینیان بوده که بعدها توانسته اند قسمت های ناشناس دنیا را کشف نمایند یا مخترعین در مدت کوتاهی اختراعات عظیم را تکمیل نمایند.

تاریخ آئینه حقیقت نمائی است که بی پرده کارهای صواب و خطاهای رفتگان را نشان میدهد سخنوران باذوق منلهای نفز و شیرین را برای چاشنی و زینت کلام از این منبع فیض بیرون میکشند قضاء یا قریحه و معرفت برای استحکام رای از مبانی تاریخی استفاده میکنند سرداران کار آزموده در روز نبرد برای تشجیع سربازان در راه جان بازی با ذکر مفاخر و رشادت گذشتگان مردان خود را بهیچان میاورند

تالیفات نویسندگانی مانند الکساندر دوما و ولتر سکت و جرج زیدان و دیگران که توانسته اند تاریخ را در قالب رمان بریزند بیش از سایر کتابها خواننده دارد

مسلمایک فرد بشری با بضاعت مزاجه عقلانی محدود و پنهانی نمی تواند زندگی اجتماعی را اداره کند ناچار است از ذخائر نسلهای گذشته و تجربیات پیشینیان و دیگران مدد گیرد خوشبخت اشخاص و منلهایی که دارای این هنرمندی و استعداد می باشد،

گاندی پیشوای بزرگ هندوستان یکی از اشخاصی بود که تشخیص داد باینکه گذشت زمان همه چیز را تغییر داده با گرز و خنجر و تیر کمان نمی توان با تانک و هواپیما مقابله نمود این بود که از هوانا تقلید نمود یک برهنه در خانه حریف آنقدر روزه می گرفت تا حریف تمکین کند و حاجتش را بر آورد.

حل مسائل سیاسی مستلزم حوصله و تدبیر و از خود گذشتگی است نه جوش و خروش و نفع پرستی چقدر جای تاسف است که بعضی اشخاص کوتاه نظر و حریص مصالح عالیه میهن را فدای نفع آنی و متزلزل شخصی میکنند

نابلئون و گیوم ثانی و هیتلر هر گاه می توانستند خود پسندی را کنار بگذارند و اندکی بسر انجام جهان گشایان پیش از خود بیندیشند مسلماً دنیا را خراب نکرده و گروههای انبوه را به خاک و خون نمی کشیدند



بعضی از آشنایان که مقدمه کتاب زندگانی پتر کبیر (اولین انتشار کانون (نور معرفت) را ملاحظه نموده یاد آوری می فرمایند آیا بهتر نبود بگفته سقراط فیلسوف

عمل نموده و اول بشناختن خودمان می پرداختید؟

سخن بجائی است امانکته‌ای هم در اینجا نهفته است تا از سایرین که با ما روابط تجاری و سیاسی و جنگ و آشتی داشته‌اند صحبت نشود تاریخی وجود نخواهد داشت.

مقدم داشتن انتشار تاریخ روسیه و انگلیس برای اینست که این دو همسایه نه اینکه بیش از سایرین با ماسروکار داشته و دارند بلکه این دو کشور عظیم دارای مقام و سوابقی بوده‌اند که برای اشخاص روشن و محقق دانستن تاریخ آن‌ها ضرورت کامل دارد زیرا گذشته این دو دولت بزرگ بقدری بر حادثه بوده است که از آشنائی آنها میتوان چشم پوشید

اندره مور و نویسنده مشهور برای تالیف این کتاب گذشته از معلومات فراوان بطوریکه در فهرست منابع ملاحظه می‌شود مطالعه و مراجعه بسیاری بمدارك معتبر نموده تا توانسته است يك همچو گامچین و گنجینه سودمندی فراهم آورد و با انشاء روان و قلم شیرین تالیف کند و مترجم دقیق و امین با زحمت و هنرمندی خوب از عهدہ برآمده و من هم بمصدق يك مثل چینی: يك نقش و نگار برای بیان مطلبی گاه رساتر از نگارش چندین صفحه است از کتابهای مختلف صورتهائی جمع آوری نموده و بر آن افزوده‌ام بامید اینکه بیشتر مورد پسند و رغبت مطالعه کنندگان قرار گیرد

نام و شرح امپراطورهای بسیاری از قبیل چین و ایران و یونان و روم عثمانی و غیره در تواریخ آمده است اما هیچیک بسدوم و ثبات بریطانیا نبوده شاید یکی از دلایل اینست که بنیاد آن بر روی افکار عمومی است و نه اشخاص. بعلاوه این جزیره نشینان بر حوصله و کوشا خصیصه‌هایی دارند: کسی با جست و خیز بی‌الای قلعه نرسیده ابتدا باید راه را پیدا کرد و بعد آهسته و پیوسته با قدم‌های ثابت بجلورفت.

ملت قانون را دوست میدارد و محترم می‌شمارد زیرا اطمینان دارد که قوه

مقتضای آنچه وضع میکنند برای خیر و صلاح عامه است نه دادن ابرار بدست قوه مجریه و برای منافع اشخاص معینی

ملت در امور شخصی مقتصد و صرفه جو است در عین توانگری حساب نگاه میدارد و زیاده روی نمیکند در امور اجتماعی نیز این اصل را محترم شمرده و کاملاً رعایت میکنند. بی اعتنائی از این رویه را خطای تابخشودنی میداند

وضعیت جوی و هوای نامناسب این جزیره مسلماً در این خصلت مؤثر است زیرا طبیعت کشور انگلستان را طوری از مواهب محروم نموده که بیشتر ضروریات اولیه زندگی را باید از کشورهای دور و نزدیک بیاورند گوشت از امریکای جنوبی لبنیات و غیره را از کشورهای اسکاندیناوی و میوه و ادویه و چای و قهوه را از هندوستان و این قاعده کلی و مسلم است کسانی که از مهر طبیعت محرومند ناچارند سعی و کوشش بیشتری بکار برده و با طبیعت مبارزه کنند تا محرمیت ها را جبران نمایند.

همسایه نزدیک انگلستان که دارای هوای مناسب و اراضی مستعد و آب فراوان است و نقضی ندارد تا مردمش برای رفع آن محتاج بکوشش باشند و مانند انگلیس ها بمحل های دور مسافرت یا مهاجرت نمایند بیشتر بطرف خوشگذرانی و تن پروری میروند.

انگلیسها تشخیص داده اند که در هر سیستم اقتصادی يك رژیم سیاسی نهفته است و آخرین سنگر موضوع اقتصاد است که باید تا آخرین نفس از آن دفاع نمود و با بکلی نابود شد.

زمامداران و متصدیان امور بریتانیا مانند پرنده گان خطر طوفان را قبل از حس میکنند و پیش از افتادن در تنگنای در پی علاج بر میآیند و میدانند که فشار و سخت گیری يك حس یگانگی و همدردی بوجود میآورد و اگر مردم مشاهده کردند که دولت ضعیف است یا بی اعتنا که نمیتواند یا نمیتواند آسایش آنان را تضمین کند در پی تهیه وسایل دیگری بر میآیند که کمترین ضررش زایل شدن حس همکاری و یگانگی دولت

و ملت است.

هیئت حاکمه این امپراطوری مانند پلنگ ماده هر خطری را استقبال میکند و بهر عملی تن در میدهد تا بملت خود طعمه رساند و آسایش بخشد.

قدرت افکار عمومی از راه مطبوعات و احزاب و هیئت های منصفه اتحادیه کارگران اصلاحات لازمه را بر پارلمان تحمیل میکنند.

عناصر با ایمان و آزادی خواه شرافت ملی را بسیار احترام میگذارند در تحمل سختی و گرسنگی همگی همقدم و هم‌دوش هستند تبعیض را ناشایسته و ناروا میدانند.

دولت در راه صرفه و صلاح مردم حاضر است بهمه چیز پشت پا بزند هر تعهدی را نقض و هر قولی را انکار نماید در جنگهای ناپلئونی بدون کمترین بهانه و مجوزی بدانمارك حمله کرد آنچه توانست از کشتی های ایشان تصرف نمود و بقیه را نابود کرد.

در نیمه قرن نوزدهم وقتی دولت پروس دانمارك را تهدید میکرد اسرد پالمستون نخست وزیر در سخنرانی ویژه با صراحت اظهار داشت که دولت پروس باید بداند در صورت حمله بدانمارك طرفش تنها آن دولت کوچک نیست اما وقتی پروس وارد عمل شد دولت انگلستان بعذر اینکه نطق نخست وزیر بدون مشورت با کابینه بوده بیطرفی اختیار کرد و دست گریک قوی پنجه را برای ردون بره ناتوان آزاد گذاشت دولت آزادیخواه انگلستان با ناپلئون سوم هم‌دست شد برای حمایت يك سلطان مستبدتر و آزاردهنده مسیحیان یعنی پادشاه عثمانی در جنگ کریمه برای تضعیف امپراطور روسیه تا از خواب هندوستان منصرفش نماید.

ملت انگلیس در داخله خود فضیلت را در دامن عدالت میداند تعصب بیجا و با فشاری در خط و خطارا روا نمیدارد.

نخست وزیر مورد حمله حزب مخالف قرار گرفت بعد از چند فقره سؤال

ورقه‌ای که یادداشت میکرد بوزیر مسئول داد و گفت این ایرادات همه وارد است و من جز تصدیق جوابی ندارم تو اگر میتوانی پاسخ بده و خود از مجلس خارج شد. همکاری و هم آهنگی و فداکاری مردم است که موجب عظمت و دوام امپراطوری میباشد ده ملیون جمعیت انگلستان با سردای چون نابلیون و بیست و هفت ملیون ملت فرانسه دوازده سال جنگید و آنقدر پافشاری نمود و سختی کشید تا پیروز شد.

در جنگ جهانی اول غیر از تلفات جانی و صدمات شدید یازده میلیارد ایرره هزینه جنگ و وامهای اعطائی به کشورهای خارج بود نرخ مالیاتی بصدی سی ترقی کرد غنی و فقیر این مخارج طاقت فرسا را با شهادت و رضایت پرداختند. کاش بدبختی منحصر به پرداخت همین مبلغ گزاف بود سختیها و گرفتاری هائیکه دنباله و لازمه هر جنگی است هزار بار بدتر است.

در پایان جنگ يك و كود صنعتی شدیدی روی داد زیرا شماره کثیر سر بازان مرخص شده نمیتوانستند جای خود را در دستگاه و از گون شده اقتصادی بیابند و توسعه برداشته و تورم بودجه مملکت در نتیجه وامهای سنگین زمان جنگ باعث شد امتیازی که بریتانیا نسبت برقیبان تحصیل کرده بود از دست داد صنایعش از حیث ادوات و لوازم پست تر از آلمان و آمریکا شد در صورتیکه دستمزد کارگران انگلستان نسبت بسایر کشورهای اروپایی بیشتر بوده با نفوذ اتحادیه کارگران تغییری هم در اجرت میسر نبود مهم تر آنکه مصرف کنندگان بواسطه فقر جهانی قدرت خرید نداشتند و در نتیجه تجارت نقصان یافته و کشتیهای تجاری انگلیس بیکار ماندند.

بریتانیا برای اینکه موقعیت خود را بعنوان بانکداری بین المللی حفظ کند يك سیاست پولی اختیار نمود گو اینکه نظراً موجه مینمود اما عمل از زبان او نبود و بیکاری را تشدید کرد.

افزایش محصول ذغال سنگ در سایر کشورهای خاصه در لهستان قیمت را پایین

آورد ناچار دستمزد کارگران معادن تنزل نمود و منجر بنارضایتی گردید.

شماره بیکاران يك ملیون و نیم بالغ شد طرز اعطای كمك ایام عادی بیکاران فلج کشت بنساجار سیستم پرداخت اعانه جایگزین آن شد و سنگینی بودجه افزون گشت.

در اروپا و امریکا سرمایه داران از آینده بریتانیا بیمناک شدند فرار طلال از لندن آغاز شد و با این اوضاع سرخ شوم و رشکستکی بر فراز امپراطوری پروبال گشود.

روز امتحان فرا رسید ملت مطیع و قانون دوست بازامداران صالح و فداکار بهم کاری و هم آهنگی پرداخته این سختی ها را باچنان سهولت و سرعتی اصلاح نمودند که خوش بین ترین اشخاص دچار حیرت و شگفتی شدند و من بذکرشمه ای قناعت نموده و مفصل آن را بمتن کتاب محول میدانم.

کابینه ائتلافی تشکیل شد و با همت دوتن نخست وزیر کاردان که بی دربی در سالهای ۱۹۳۱ تا ۳۵ مشغول کار شدند با کمک و مساعی وزیر دارائی فعال چمبرلین و همکاری ملت بر دبار و قانون دوست بر مشکلات فانی آمده و از سقوط مملکت جلوگیری نمودند اولاً از واحد پول طلا صرف نظر نمودند با مهارتی که نیکداشتند دستمزد بالا رود و بعد نرخ اجناس را در انگلستان بمیزانی پایین آوردند که از نرخهای ممالک دیگر که واحد پولشان طلا بود ارزانتر شد و زمینه صادرات مهم کشت بتدریج بسا کشورهای اسکاندینا و امریکائی يك گروه استرلینگ بوجود آوردند تجارت آزاد را منسوخ نموده و با وضع تعرفهای حمایتی کارخانها توانستند بازارهای سابق انگلستان را بدست آرند.

برای تربیت و پرورش دامها و ترقی کشاورزی کوشش فراوان نمودند.

مخارج را تا آنجا که ممکن بود کم نموده صرفه جوئی کردند تا اساس کار یعنی بودجه متعادل را تنظیم نمودند و دست بکارهای مفید دیگر زدند مثلاً در مدت

ده سال دو میلیون دستگاه ساخته و بسیاری کارهای دیگر که ذکرش در اینجا مقتضی نیست.



از مطالعه این کتاب ملاحظه می فرمائید که این بحران و وضعیت ناگوار منحصراً باین یکبار نبوده در طول مدت امپراطوری مکررمصائب و پیش آمدهای سخت تری بروز نموده اما مردم این جزیره بجای ناامیدی و بدبینی عزم واراده و يك آهنگی بکار برده منافع شخصی و خود خواهی و یاس را کنار گذاشتند و بر مشکلات غلبه کرده اند و از هر پیش آمد خوب و بد باقتضای وقت استفاده نموده اند.

مرکب سیاه در قرن هفدهم بالای عظیمی بود که يك سوم جمعیت اروپا را (بیست و پنج میلیون) هلاک کرد و متعاقب آن آتش سوزی لندن که نصف یا بیشتر شهر را سوخت همین دو مصیبت موجب بایه گذاری قسمتی از امپراطوری شد زائده ها را کوبیدند کلبه ها را خراب کردند شالوده شهر نوی ریختند بجای کوچه های پراعوجاج و تنگ خیابانهای وسیع و مستقیم طرح کردند برای مالکین و کشاورزان مقرراتی وضع نموده و تا آنجا که ممکن بود در تعدیل ثروت قدیمهای بلندی برداشتند

در اواخر همان قرن وقتی محققى نوشت : از ورود بشهر منچستر در چار حیرت شدم سیصد و پنجاه هزار کارگر را دیدم در دخمها روی هم ریخته اند زنهای نیمه عریان بجای حیوانات بارکش کار میکنند در کارخانهای تورسازی اطفال شش ساله و کمتر را بکار گماشته اند و کودکان خردسال را در محل های مانند سیاه چال چپانده اند فقط ساعتی چند لحظه برای تنفس در آن را بر میدارند که هوایی وارد شود

بی درنگ هیئت حاکمه و متصدیان دست باصلاح زده باوضع قوانین مناسب این معایب شرم آور را مرتفع نمود البته اشخاص نفع پرست و خود خواه با این گونه اصلاحات مخالفند اما در مقابل افکار صالح عمومی با رای عرض وجود ندارند وقت دیگر که روحانیون قوت و نفوذی بدست آورده بودند نمایندگانی

بشهرستانها و دهات می فرستادند برای تهذیب اخلاق و آموختن احسان این میافین
بهخانه روستائیان وارد شده باکد بانوی کلبه آشنا می شدند ازسادگی آنها استفاده
نموده چند روزی را بضيافت و خوشی صرف نموده گناهان را بخشیده و آمرزش میفر و ختنند
بعد آرزوهای آنها را در روی صفحه عاج یادداشت کرده و بطرف مهمانسرای دیگر
روان می شدند و درین راه بالبخند مسخره آمیز نوشتنها را حاك میگردند

وقتی چاسر شاعر و ادیب این مسخره بازی را بصورت نمایش در آورد متصدیان
امور درصدد اصلاح برآمدند و جلوگیری نمودند .

این اصلاحات اکثراً بدست خود مردم و اشخاص بی غرض و پاکدامن
بعمل آمده نه توسط پادشاهان ورنهای متمادی تاج سلطنت زینت گهواره اطفال یا بازیچه
سلاطین ضعیف و نالایق بوده مدتها پادشاهان اجنبی مانند گیوم فاتح و برنس درانزو
غیره بر کشور انگلستان فرمانروا بودند تا یکی دو قرن پیش زبان درباری و اشراف
لاتین ، فرانسه و آلمانی بوده است

یکی از پادشاهان چون انگلسی نمیفهمید در جلسه وزرا حاضر نمی شد جمعی
هنگام فرار از جزیره مهر سلطنت را بدربار افکند بتصور اینکه پادشاهی را از بین برد .
مر کب امضای جان در فرمان آزادی ۱۲۱۵ هنوز خشك نشده بود که در فکر
طغره و الغاء آن افتاد هانری با آنکه هفت بار آنرا تأیید کرده بودندن با جراتش نمی داد .



مشغول جمع آوری صورتها و نگارش این مختصر بودم که یکی از دوستان
وارد شد بعد از ذیرو رو کردن برگها ایراد نمود این زحمت برای چیست اولاً بیشتر
این گراوردها با متن کتاب ارتباطی ندارد ثانیاً مشروح آنچه را یادداشت میکنی در
خود کتاب هست .

بتصور اینکه این ایراد و سؤال برای کسان دیگر هم پیش آید که بمن دست
رسی ندارند توضیح میدهم در زمان قدیم پیش از آنکه فهرست مندرجات معمول شود

با اشاره برئوس مطالب و قسمتهای برجسته مختصری مینوشتند و برائت استهلاتش مینامید تا بازکننده کتاب در نظر اول از قسمتهای مختلف مطلع شود و بداند کتابیکه در دست دارد راجع به چیست .

اما گراورهای خارج از موضوع برای اینست که خواستم به بعضی از اشخاص تذکر دهم که این امپراطوری عظیم نه از ابتدا آن بوده که هست و نه يك کشور خلق- الساعه ایست بلکه مانند کشورهای عقب مانده امروز دنیا در وضعیت نامطلوب و دل- خراشی بوده صنعت گران در کوچه و برزن پراکنده بودند سقا و نان فروش دوره می گشتند بازار کفاشان و مسکران داشته مکتب دار سر گذر شان را اشکلك میکردند متهمین را با شکنجه های سخت و ضرب تازیانه آزار داده و بگفتن مطالب راست و دروغ و امی داشتند صاحبان کارخانجات با اجرت ناچیز زنان و اطفال را از کارهای دشوار و زیاد فرسوده میکردند

تا يك قرن پیش يك سوم مردان و نصف زنان بی سواد بودند در داخله متربول عظیم لندن مقارن همان اوقات سبزی کاری میکردند و خوك میپروراندند آب آشامیدنی آلوده بفضولات بود

مباشرین مالیاتی و مامورین دیوانی تعدی میکردند و مودیان نیز بنوبه خود بدادن رشوه و انگیختن واسطه از پرداخت مالیات و عوارض فرار میکردند

مردان توانا باتدبیر و از خود کدشکی توانستند آن بگوله را رشك بهشت کنند و کشور را بمقامی برسانند که این جمله معمول دوره هخامنشی از روی شایستگی در خطابه رسمی تکرار شود (کشوریکه آفتاب در آن غروب نمی کند) و این گفته چنان شایع و ذهنی عامه شده بود که روزی کودکی محسنات و زیباییهای بهشت را در مجله دید از ماروش ستوال کرد این باغ باین عظمت و صفا از کیست ؟ ما در پاسخ داد هر گاه وجود خارجی داشته باشد البته متعلق بانگلیسهاست

گردش روزگار همیشه بیک منوال دور نمی زند قرنها لازم است تادنیاروی خوش بکشورهای کوچک و عقب مانده نشان دهد معلوم نیست این فرصت چند روز دوام خواهد داشت فعلا که سیاست خارجی روشن است و زحمت خارجیان که قرنها مانع جنبشی بود مرتفع است بلکه نظرهای مساعدی هم دیده می شود اگر بتوانیم یأس و بدبینی را دور کرده و دست بکار مثبت بزنیم از تجربیات سایرین استفاده نموده راه رفته دیگران را پیش گیریم بزودی وسهولت بمنزل میرسیم سزاوار نیست که نمایندگان در محل آمال و آرزوی ملت بجای پرداختن بهجبران مافات به بحث مطالب ناقابل وقت گذارند و مندرجات جراید و اخبار مجلسین برای ایرانیان مقیم خارجه اثر و قوت دیگری دارد وقتی جوانان ملای خوانند که و کلا و وزراء نسبت اختلاس و کارهای زشت بیکدیگر میدهند و تقاضای طرفین برای رسیدگی بی اثر میماند چنین تعبیر میکنند که سایرین نیز دخیل بوده یا وحشت دارند که اگر بنای رسیدگی شد نوبت بآنها هم میرسد بدبینان وقتی سئوال و جوابهای شوخی آمیز را می شنوند می گویند صحنه سازی است برای انجام توقعات شخصی.

دانشجویان مقیم خارجه که بعضی از آنها دل نازک و پرتوقع هم می باشند از خواندن اخبار دل سرد و مایوس شده کربت غربت را بنزد گمانی بر نعمت میهن ترجیح میدهند و آنها بیکه معلومات و تجربیاتی کسب کرده در همان کشورها میمانند و کارها هم بدست خارجیانی سپرده می شود که اگر شایستگی دارند در ضمن مسائل سیاسی یا بیعلاقگی مستهلك می شود

نیم قرن پیشتر است یعنی از جنگ جنوب افریقا که معروف است ملکه ویکتوریا در همان اوان در بستر بیماری با شکایت و ناله گفت این جنگ شوم قاتل من است زنك خطر این امپراطوری بصدا در آمده اما مردان کار آزرده و بیغرض چگونه با عزم و اراده و تدبیر خطرات را گذرانده و بر پای ایستاده اند راست است که بر اثر قدرت و حکومت طولانی و رفتار دولت استعماری از حیث اعتبار و اهمیت عقب رفته اند و در

مقابل پیدایش اسلماهای جوان و تغییر اوضاع دنیا و رژیم های بی سابقه مواجه با مشکلات عظیمی شده اند و از همه مشکل تر اینکه رقبای تجاری موازنه اقتصادی را بر هم زده اند اما حوصله و ثبات ایشان بقدری است که با تغییر روش باز میتوانند مدتی از باقیمانده نفوذ و سابقه خویش استفاده نموده و بجای بمانند.

تا چند سال بعد از جنگ خوار و بار جیره بندی بود برای هر شخص بالغ در هفتة معادل دوتاسه سیر گوشت و يك يا دو دانه تخم مرغ و بهمين تناسب شكر و كره و چای و شیرینی تعیین شده بود اما این جیره برای غنی و فقیر و خودی و بیگانه یکسان و در تمام انگلستان يك نواخت بود.

چند روزی سبب زمینی یعنی قوت غالب در شهر لندن یافت نمیشد در همان ایام بایکی از دوستان برای دیدن دانشگاه اکسفورد و آرامگاه شکسپیر که نزدیک همین شهر است عزیمت نمودم.

همسفر من خواست قدری سبب زمینی سوغات بیارد اما در هیچ يك از این شهرهای بزرگ و كوچك بدست نیاورد.

يك فرد انگلیسی هر قدر ثروتمند بود اجازه داشت برای مسافرت عادی پنج لیره بیشتر از مملکت خارج کند متخلفین پیرداخت جریمه های گراف محكوم میشدند و هر روز در جراید اسامی اشخاص و مبلغ جریمه وصولی منتشر میشد.

خرید لباس نیز مانند خوار و بار تحت مقررات و تدارکش مشکل بود اکثر استادان دانشگاه و پزشکان و مدیران و کارمندان بانکها و مؤسسات دور حلقه آستین و بچه و آرنج و زانوی شلوار را با تیماح وصله کرده بودند.

يكی از مطالبی كه هر تازه واردی را متوجه ميكند اعتماد و ادب و مهربانی انگلیسهاست عابرين از چند قدمی از بیم آنكه مزاحم يكديگر شوند. خود را جمع کرده و معذرت میخواهند (دو كلمه ببخشید معذرت میخواهم) پیوسته ورد زبان اشخاص است این تربیت از سجایای ملی است نه از راه فرهنگ زیرا ریشه معارف همسایه نزدیک

ایشان بسیار قدیمی و عمیق تراست اما رفتار عمومی غیر از اینست.

از اوایل قرن نوزدهم در باربان و اشراف قدیمی که رفتارشان سر مشق و مورد تقلید سایر طبقات است رفتار مؤدب و موقر را اختیار نمودند. فراضام مخالفتی بود یارای دم زدن نداشت بلکه مجبورا تظاهر میکرد در سلطنت دراز ملک و بکتور با این رویه مؤدب عادت ملی و متدرجاً طبیعت ثانوی شد.

يك تاجر ایرانی دوشیزه‌ای را برای منشی‌گری استخدام کرده طرفین از کار و حقوق یکدیگر کمال رضایت ردا داشتند سال ۱۹۴۸ در لندن سرهای بسیار سخت و کم نظیری بود موسسات برق و استخراج ذغال هنوز خیلی مرتب نبود رادیو اعلان نمود که در ساعات معین از مصرف برق در خانه‌ها خودداری شود اتفاقاً دوشیزه منشی وقتی وارد دفتر میشود از روشن بودن بخاری برق در آن ساعت متعجب شده سؤال میکند مگر اعلان را ننشیده‌اید آقا پاسخ میدهد طاعت سرماندارم و در صورتیکه پول برق را مقرر دارم ایرادی نیست.

دوشیزه یک ساعت بعد نامهای معوقه را مرتب نموده با استعفای خودش بروی میز تاجر باشی می‌گذارد (با کمال رضایت و خوشوقتی که از کار کردن در دفتر شما داشتم چون شمارایی اعتنا بمقررات کشور خود می‌بینم از ادامه خدمت معذرت میخواهم) اینست سر بقاء و عظمت امپراطوری عظیم بریتانیا دیگران هم رفتنی می‌توانند بموفقیت خود مطمئن شوند که این رویه را اختیار کنند و گر نه لباس دورنگ بوشیدن و بیپ زدن دندان گرفتن و ادا مس جویدن تن بصورت مار چوبه در آوردن است بدون داشتن زهر و مهره برای دوست و دشمن

یکی از دوستان آزادمنش که در امور اجتماعی وارد است و در مطبوعات سابقه زیادی دارد و برخلاف بسیاری مبتلا بپاس و بدبینی نیست و هرگز نه پیشرفتی را می‌ستاید عقیده مند است که در بسیاری از امور خیلی پیشرفت کرده‌ایم: ورزش و موسیقی و فرهنگ و رفتار عمومی باید از گفتن و نوشتن مکرر هیچ خودداری و مضایقه نکرد و دیری نمی

گذرد که عامه نسبت به حقوق مشروع خود آشنا شده و دست شهادانی را که به حقوق ملت دراز شده کوتاه خواهند نمود و نمی گذارند آنقدر از کیسه ملت فقیر باریق بازی و معاملات متقابل به بخشش های بی حساب و بی جا بشود مثلی هم آورد که شاید ذکرش در مقدمه يك همچو کتاب وزینی مناسب نباشد اما چون خیلی ساده و بعقیده خودش دل نشین است همینویسم

هر روز صف های بسیار دراز در اکثر ایستگاه اتوبوسها دیده میشود که مردان آموخته و قوی هیکل در پشت سر پیره زنان و کودکان ضعیف ایستاده و هیچ حرکتی برای جلو رفتن و تعدی به حق دیگری نمیکنند یو لیس هم دیده نمی شود و پستی بان این ملاحظه و خودداری افکار عمومی است.

رفتار عامورین شهر بانی نسبت باشخاص مودب است و در صورت لزوم ادراک نمائی و کمک مضایقه ندارند اینها خود دروزه ایست بطرف امیدواری که دیر یا زود بر حسب قانون طبیعت و تکامل نیازمندان را بسر منزل مقصود هدایت میکنند.